

آشنایی با مکتب «اتنومتدلوژی»

مکتب جامعه‌شناختی را نیز جز با مسامحه به آن نمی‌توان اطلاق کرد. شاید بتوان گفت، اتنومتدلوژی بیشتر یک نحوه نگرش و منظر است تا یک مکتب. به هر حال یک نظریه قیاسی deductive و حتی یک تئوری الگو pattern theory نیست. و به قولی باید آن را ماوراء تئوری Meta Theory دانست به همین دلیل مشکل بتوان آن را در یک جایگاه جامعه‌شناختی به مفهوم متداول و کلاسیک آن قرار داد.

مواضع نظری و روشی

اتنومتدلوژیست‌ها متمایلند مدعی شوند که «نظم اجتماعی» وجود ندارد و یا حداقل به آن معنایی که سایر نظریه‌پردازان فکر می‌کنند، نظم اجتماعی وجود خارجی ندارد. در واقع آنها منکر سطح جامعه‌شناختی لازمی از نظم هستند و این افکار، آن‌ها را از مکتب دورکیمی دور می‌کند. آنها معتقدند که موقعیت‌های منحصر بفرد، از راه‌هایی غیر قابل پیش‌بینی بروز می‌یابند و از اینجهت اعتقاد دارند که هیچ علتی با نظم بیشتری نمی‌تواند مانع فعالیت تصور شده باشد. در این دیدگاه، واژه ساختار اجتماعی social structure تقریباً معادل مفهوم «وضعیت» situation در مکتب کنش مستقابل نمادی است و معنی ساختار اجتماعی نزد اتنومتدلوژیست‌ها تقریباً تا حد جایگاه اجتماعی یا محیط social setting تقلیل می‌یابد.

اگر وجود نظم اجتماعی فرض نشود، برنامه کار دانشمند اجتماعی، تبیین و تعلیل آن نظم نخواهد بود و لذا برنامه کار دانشمند از «علت»‌های نظم اجتماعی به «ظواهر» یا «تجلیات» Appearance تغییر خواهد کرد. از نظر روش نیز برخلاف سنت دورکیمی و بارسنزی که نظام‌های کنش را مورد بررسی قرار می‌داد، مستقیماً افسراد را به عنوان

علیمحمد حاضری

اجتماعی و پیش‌های کلاسیک جامعه‌شناسی قرن ۱۹ داشتند، آنچنان بر اهمیت روابط اجتماعی ساختی شده و قانونمند و هنجارهای تأییدشده فرهنگی تأکید داشتند که نقش فرد را در این روابط، کم‌رنگ یا بی‌رنگ می‌نمود. به همین دلیل جریانات فکری و مکاتب جامعه‌شناختی که پس از سست شدن معیارهای اجتماعی - سیاسی روابط جهانی در خلال دو جنگ به وجود آمد، از قبیل، اتنومتدلوژی، مکتب مبادله و کنش متقابل نمادی، همه به نحوی به نقش فرد در روابط جمعی تأکید داشته‌اند.

جایگاه نظری

بر خلاف سایر مکاتب کلاسیک جامعه‌شناسی که به هر حال دارای یک چارچوب نظری و اصول و مفروضاتی هستند که کل بنای فکری مکتب بر آن‌ها استوار می‌گردد، این نحله فکری دارای چنین چارچوب مشخص و مدونی نیست و لذا عنوان

زمینه‌های پیدایش این مکتب

از نظر تاریخی این مکتب در شرایطی مطرح شد که پس از حوادث و رویدادهای عمده ناشی از دو جنگ جهانی در نیمه اول قرن بیستم، نظم جهانی متصور در دیدگاه بیشتر اندیشمندان قرون ۱۸ و ۱۹ فرو ریخت، جامعه ملل متحد سابق از هم متلاشی شد و از نظر فرهنگی و روانی نیز، اصول اخلاقی به عنوان بنیان نظام اجتماعی به سستی گرائید و ایده‌های فردگرایانه زمینه بروز یافت. این نگرش که از آغاز نیمه دوم قرن بیستم در آمریکا مطرح گردید، عمدتاً در مقابل با بینش‌هایی که ساخت و نظام اجتماعی را مانند قالب و چارچوبی سخت و غیر قابل انعطاف بر فرد تحمیل می‌کرد به وجود آمد و لذا باید آن را یکی از واکنش‌هایی که در قبال مکاتب کارکردگرائی و ساخت‌گرائی جامعه‌شناختی بروز یافت، محسوب کرد. مکاتب ساخت‌گرائی و کارکردگرائی علیرغم مواضع سرمتری که در مقایسه با مکتب اصالت

واحد‌های اجتماعی مورد مطالعه قرار می‌دهد. از نظر اتنومتولوژیستها، راه شناخت اینکه کنش‌کنندگان چه فکری دارند، شناخت عملی است که آنها انجام می‌دهند از عمل آنهاست که فهمیده می‌شود آنها چه تعلیلی برای رفتار خود دارند و از چه قواعدی پیروی می‌کنند و چرا؟ اگر کنش‌ها با مفروضات غیر قابل بررسی، شخصی و احتمالاً ناخودآگاهانه فهم می‌شوند، در این صورت چگونه می‌توان نظم اجتماعی که عینی و قابل تشخیص باشد فرض کرد؟ تمایز نگرش اتنومتولوژیستها در مقایسه با علوم اجتماعی سنتی در همین نکته است و به اعتقاد آنها ضرورتی نیست که برای تبیین رفتار، یک خصیصه عمومی و منظم برای روابط اجتماعی فرض کرد.

چهره‌های عمده‌ای که آثار و نظراتشان معرف این دیدگاه است عبارتند از آلفرد شوترز Alfred shutz، آرن سیکورل Aurn Cicourel و هارلد گارفینکل Harold Garfinkel و ما معرفی این دیدگاه را با اشاره‌ای به نظرات آنها دنبال می‌کنیم.

آلفرد شوترز که نامش بیشتر با مکتب (phenomenology) پدیدارشناسی پیوند خورده است، نظراتی دارد که به عنوان بستر اصلی و اصول راهنمای اتنومتولوژی می‌تواند محسوب شود. او بین ایستارهای زندگی روزمره attitudes of daily life و ایستارهای علمی scientific attitude مقایسه‌ای انجام داده، معتقد است که مردم نوعاً از عقلانیت علمی در قضاوت‌های روزمره خود استفاده نمی‌کنند. او نشان می‌دهد که مردم در وضعیت‌های روزمره کنش علمی ندارند به این معنی که آنها خودشان را و دیگران را مطابق ایستارهایی که به دانش علمی دقیق از جهان منجر شود، مورد قضاوت قرار نمی‌دهند، بلکه آنها بر طبق پیش‌فرضهای غیرمنطقی زیر که عملاً کنش

عملی را ممکن می‌سازد رفتار می‌کنند.

پیش‌فرضهای کنش روزمره در مقایسه با کنش علمی

۱ - کنش روزمره دربرگیرنده این باور است که اشیاء و مردم، همان چیزهایی هستند که در ظاهر به نظر می‌رسند در حالیکه این امر با شک مستمر و غیرمحدود دیدگاه علمی، در تقابل است.

۲ - فرض دیگر در ارتباط است با رابطه آدم عادی با کنش‌ها و دیگران، به طوری که آدم عادی فرض می‌کند که فعالیت‌های وی تغییری در جهانی که او در آن زندگی می‌کند به وجود می‌آورد و نیز خود باور دارد که او نیز تحت تأثیر کنش دیگران قرار دارد. در حالیکه ایستار علمی از دانشمندی خواهد که از یک موضوع بی‌طرف به تأمل و مشاهده بپردازد و بکوشد تا نه عملش بر کنش مورد مشاهده تأثیر بگذارد و نه خودش تحت تأثیر کنش‌کنندگان قرار گیرد.

۳ - شخص عادی بر این فرض است که حوادث، یک توالی زمانی دارد و او این موضوع را با تجربه دریافته است. این دریافت باعث می‌شود که او این «توالی»ها را به عنوان «علت»ها در نظر گیرد به عبارت دیگر او تقارن یا همزمانی را به جای علیت می‌نماید. در حالیکه ایستار دانشمندان نسبت به زمان متفاوت است. دانشمندان از قواعد بی‌زمان «Timeless» و غیرمتکی به زمان صحبت می‌کنند.

۴ - آدم عادی بر این باور است که اشکال مستوعی از اجتماعی شدن سر راه او وجود دارد و او می‌تواند بین چند نوع خود اجتماعی «public self» به دلخواه خود، خود اجتماعی مورد نظر را متجلی سازد. در حالیکه دانشمند اگر بخواهد عینی باشد باید خود را برکنار از نقش‌هایی که عملی می‌شود نگهدارد. به عبارت

دیگر در حالیکه دانشمندی از «خارج» به زندگی اجتماعی نگاه می‌کند، باید گفت شکل‌های اجتماعی شدن را فقط باید از «درون» ملاحظه کرد تا فهمید.

۵ - آدم عادی در مورد زبان قائل به چیزی است که از همان آغاز عالم اجتماعی را به زحمت می‌اندازد. آدم عادی بر این فرض است که زندگی روزمره مطابق با جهانی مشترک از ارتباطات بین ذهنی intersubjectivity هدایت می‌شود. او فرض می‌کند که دیگران منظور او را از آنچه که گفته است می‌فهمند و نیز فرض می‌کند معنی آنچه را که شنیده است می‌داند. این یک پیش فرض زمینه‌ای و مبنائی است که توسط آن حتی به دست آوردن معانی کلماتی که عملاً گفته نشده و نیز درک معانی کلی یک عبارت خاص امکان‌پذیر می‌شود، در حالیکه از نظر ایستار علمی، حتی در مورد کلمات بیان شده و تصریح شده نیز نمی‌توان مفاهیم مشترک بین ذهنی قائل شد و باید برای فهم هر یک از آن کلمات کوشید.^۱

آرن سیکورل^۲: سیکورل مطالعه خود را با تأکید بر نقش زبان در فهم روابط اجتماعی دنبال کرده است اهمیت زبان در نزد اتنومتولوژیستها و خصوصاً سیکورل از آن جهت است که آنان معتقدند زبان میانجی است که از طریق آن برخوردها یا مواجهه‌های پیش آمده در زندگی اجتماعی، متعالی می‌شوند (Trans acted) و میانجی است که از طریق آن شخص، کنش‌های خود را بازسازی کرده، توجیه می‌کند و توضیح می‌دهد.^۳

سیکورل در بررسی خود با استفاده از تحلیل نقش زبان در روابط اجتماعی، سعی می‌کند نشان دهد روابط اجتماعی با همه پیچیدگی‌هایی که دارد توسط مردم عامی بدون توسل به شیوه‌های علمی کلاسیک قابل فهم

است و از این طریق مدعی می‌شود جامعه‌شناس نیز برای فهم روابط اجتماعی می‌تواند از همین شیوه‌های مردمی سود جوید. او نشان می‌دهد که مردم معمولی با آنکه با قواعد رسمی دستور زبان و بیشتر کلماتی که در زبان بومی به کار می‌برند نا آشنا هستند ولی به نحو مناسب و با مهارت فراوان، منظور خود را می‌فهمانند و از منظور دیگران آگاه می‌شوند. همچنین با آنکه کاربرد و انشاء زبان از پیچیدگی زیادی برخوردار است، ولی برای افراد بومی، بطور رسمی آموزش داده نمی‌شود و مردم خود به خود یاد می‌گیرند و با پیچیدگیها و ظرافتهای آن آشنا می‌شوند.

نام «سیکورل» با اصطلاح مشهور درباره رویه‌های تفسیری interpretive procedures در آمیخته است. منظور او از رویه‌های تفسیری، توصیف‌های تحلیلی شیوه‌های مختلفی است که مردم در برداشت خود از ساختار اجتماعی به وجود می‌آورند و آن را حفظ می‌کنند. از نظر سیکورل این شیوه‌ها عبارتند از:

۱ - ارتباط متقابل چشم‌اندازها (The reciprocity of perspectives) مردم بر این باورند که اگر جای خود را با دیگری عوض کنند آنچه را که او دیده است خواهند دید و تجربه‌های آنها تا آن حد برهم منطبق خواهد بود که بتوان تفاوت در تفسیرها را بی‌اهمیت دانست

۲ - شکل‌های نرمال (normal forms). مردم بر این باورند که دیگران به نحو قابل قبولی، هوشمندانه و در زمینه‌ای از معرفت عامه سخن می‌گویند.

۳ - اصل و غیره (et cetera principle) یعنی هرگوشنده بر این باور است که وقتی سخن می‌گوید دیگران معانی منظور شده اما بیان نشده سخنان او را می‌فهمند. این اصل نقش مهمی در تجزیه و تحلیل‌های جامعه‌شناختی

اتنومتدلوژیستها دارد و آنها از این اصل در تفسیر روابط اجتماعی سود می‌جویند بر این اساس که معتقدند مردم در فهم روابط اجتماعی، نه تنها معانی و منظورهای کلمات را می‌فهمند بلکه معانی درک شده، بسیار فراتر از چیزهایی است که در کلمات اظهار شده است. هر سخن حامل منظورهایی است که در کلمات بیان نشده است و حتی سکوت‌های معنی‌دار در جای جای سخن، نهفته است.

سیکورل در توضیح نحوه فهم مردم عادی از گفتار و عمل دیگران از تفسیر بافتهای قوم نگارانه سخن به میان می‌آورد. از نظر او، این بافتها، شامل اطلاعات پراکنده زندگی روزمره است که با هم ترکیب شده‌اند و در حکم یک مشاور ادراکی برای تفسیر گفتار و رفتار مردم، موضوعات، حوادث و رفتار خود شخص عمل می‌کنند. از نظر او اجزاء این بافتها وقتی به نحو متفاوتی ترکیب شوند معانی متفاوتی می‌توانند داشته باشند.^۶

حوزه عمل و انواع مطالعات اتنومتدلوژیکی

از نظر نویسندگان دائرةالمعارف علوم اجتماعی، موضوع اتنومتدلوژی (معرفت عام (common sence Knowledge) است. اسکیمور، در صفحه ۲۴۲ کتاب اندیشه‌های نظری در جامعه‌شناسی، انواع مطالعات اتنومتدلوژیکی را در سه حوزه زیر برمی‌شمارد.

الف - قلمرو جامعه‌شناسی معرفتی؛ شامل مطالعه نحوه اکتساب، توزیع و حفظ معرفت فرهنگی و اجتماعی و به طور کلی مطالعه درباره فرهنگ و میانجی عمده آن یعنی زبان است.

ب - توصیف برخوردها یا مواجهه‌های ملموس و عملی؛ در این حوزه است که

اتنومتدلوژیستها قوی‌ترین میدان را دارند و اکثر مطالعات آنها در این حوزه متمرکز است. ج - تحقیقات اتنومتدلوژیستها بر شیوه‌هایی که مردم در مورد قابل قبول شدن فعالیت هم‌ردیفان خودشان اعمال می‌کنند متمرکز است

«گیدنز» در معرفی اندیشه و روش اتنومتدلوژیستها به پنج نکته اساسی اشاره می‌کند که عبارتند از:

۱ - اهمیت اندیشه کنش یا عامل انسانی (action of agency) در نظریه جامعه‌شناختی؛ از نظر اتنومتدلوژیستها، جامعه حاصل کار ماهرانه عامل‌های انسانی است و این امر حتی در جزئی‌ترین برخوردها یا ارتباطات اجتماعی نیز صادق است.

۲ - تأمل (reflexivity): برخلاف سایر مکاتب کلاسیک جامعه‌شناسی که سعی می‌کنند نقش تأمل و تفسیر را در فهم روابط اجتماعی به حداقل برسانند اتنومتدلوژیستها این عنصر را در فهم روابط اجتماعی رسماً وارد می‌کنند

۳ - زبان: صرفاً مجموعه‌ای از نمادها یا نشانه‌ها نیست (آنچنانکه کنش متقابل نمادی مدعی است). بلکه زبان میانجی فعالیت عملی انجام کارهای مردم است. یکی از نتایج این تعبیر از زبان این است که جامعه‌شناسی نمی‌تواند از زبان معمولی به خاطر یک زبان کاملاً تکنیکی چشم‌پوشی نماید. از نظر آنها مطالعه عمیق شکل زندگی اجتماعی، به درک شیوه‌های معمولی گفتگو که بیان‌کننده آن شکل از زندگی است وابسته است.

۴ - موضوع‌یابی بافت‌مند زمانی کنش: temporal and contextualizing of action این مطلب که سخت مورد تأکید و توجه گارفینکل است بدین معنی است که عنصر «زمانیت» و شبکه ارتباط کنش‌ها با یکدیگر و جایگاه هر کنش در این شبکه، نقش مهمی در

فهم آن کنش دارد.

۵ - مفاهیم بیان نشده: همچنانکه قبلاً اشاره شد مفاهیم بیان نشده ولی منظور شده، بخش مهمی از تعامل اجتماعی را شکل می‌دهند و بدون توجه به وجود این عامل اساسی در فهم متقابل انسانها از منظور یکدیگر، کنش‌ها درست فهمیده نمی‌شود. از نظر اتنومتدلوژیستها در یک ارتباط متقابل بین عامل‌های انسانی، سکوت‌ها، طفره رفتن از بیان بعضی چیزها و مجموعه مفاهیمی که تحت عنوان «نظایر آن» در مکالمات بکار گرفته می‌شود، همه به اندازه کلمات اظهار شده مهم و با معنی هستند.

ابهامات:

با آنکه اتنومتدلوژیستها در مجموع، شیوه‌های جدید و بدیعی در مطالعات جامعه‌شناختی پیشنهاد کرده‌اند که این نوع مطالعات را تحرکی تازه بخشیده است و پاره‌ای از زوایای ناشناخته و یا بدیهی پنداشته شده روابط اجتماعی را مورد کنکاش روشنفکرانه قرار داده است اما این بررسیها خود دارای ابهامات اساسی است که اتنومتدلوژیستها باید به آن پاسخ گویند.

۱ - اولین ابهام مربوط به نحوه وجود یا شکل‌گیری وفاق اجتماعی در معنی و مفهوم تعابیر و کنش‌ها در زندگی روزمره است. اگر اتنومتدلوژیستها مسئله هم‌بانی و فهم مشترک را در زندگی روزمره مطرح می‌کنند و آنرا اساس تحلیل جامعه‌شناختی مردمی معرفی می‌کنند، باید پاسخی در مورد نحوه پیدایش، تکوین و استمرار این هم‌بانی ارائه نمایند. اگر وجود این هم‌بانی صرفاً بعنوان امری بدیهی قابل فرض باشد هیچ دلیلی وجود ندارد که فرض وجود نظم اجتماعی و نظام قانونمند را که سایر مکاتب کلاسیک مطرح کرده‌اند و

مورد قبول اتنومتدلوژیستها نیست، انکار نمائیم. و اگر این وجود مفروض و نظام قانونمند را در مورد مفاهیم مشترک و بین ذهنی در زندگی روزمره انکار کنیم، راهی برای وحدت انتزاعی مفاهیم و معانی کنش که اساس تحلیل اتنومتدلوژیستهاست باقی نمی‌ماند.

۲ - اتنومتدلوژی در مشکل تمام جامعه‌شناسیهای نظری یعنی فقدان ابطال‌پذیری سهیم است. در واقع، اتنومتدلوژی اصلی است در مورد اینکه ذهن انسانی در هنگام کنش متقابل و در هنگام ارائه گزارش‌های لفظی چگونه عمل می‌کند ولی از آنجا که این موضوع اساساً اصلی غیر قابل سنجش است، محقق را در تولید تبیین‌های متقاعد کننده بدون استانداردهای توافق شده عمودی در مورد روایی و اعتبار آزاد می‌گذارد. اگر تبیین‌های دو اتنومتدلوژیست متعارض باشد چه پیش خواهد آمد؟ در چارچوب نگرش اتنومتدلوژیکی هیچ راهی برای قضاوت بین آنها وجود ندارد. شاید دو اتنومتدلوژیست تبیین مشابهی ارائه دهند، اما آیا این به آن علت است که آنها چیز مشابهی را می‌بینند؟ یا به این علت که هر دو آنها در جهان‌بینی خاص سهیم هستند که هیچ ارتباطی با کنش تحت مشاهده آنها ندارد؟ سؤالی از این قبیل توسط اتنومتدلوژیستها بی‌پاسخ می‌ماند.

۳ - قلمرو مباحث مورد بررسی اتنومتدلوژیستها همچون سایر مکاتب جامعه‌شناسی محافظه کار در آمریکا، از روابط اجتماعی سازمان اجتماعی موجود فزاتر نمی‌رود و عنصر تحوّل در این روابط و مکانیسمهای این تحوّل را نادیده می‌انگارد. در تبیین‌های اتنومتدلوژیکی نه تنها وقوع انقلاب و تحولات سیاسی اجتماعی جایی ندارد که حتی تحوّل در فرهنگ و تغییر در مفاهیم و

معانی بین ذهنی که عنصر کلیدی در تحلیل اتنومتدلوژیستهاست نیز قابل بررسی نیست. در حالی که وقوع این تغییر و تحوّل قطعاً نمی‌تواند مورد انکار آنها قرار گیرد، خصوصاً آنکه با توجه به مباحث گذشته زماندار بودن کنش‌ها خود اصل اساسی در تبیین‌های اتنومتدلوژیکی تلقی می‌شود و این اصل نمی‌تواند، با اصل ثبات و عدم تغییر و تحوّل در معانی و مفاهیم بین ذهنی نزد عاملین کنش سازگار باشد.

زیرنویسها:

- 1 - William Skidmore. Theoretical Thinking in sociology. PP 23
- 2 - Auron Cicourel
- 3 - Ibid, rev, ed, P.245
- 4 - Adam kuper, social science Encyclopedia, P. 274 -275
- 5 - Ethnographic coivtexts of interpretation
- 6 - Ibid, rey, ed, p,275
- 7 - Authony ciddens studies in social and political theory, P.

منابع:

- 1 - Garfinkel, Harold. studies in Ethnometodology Prentice HdL, 1967
- 2 - Kuper, Adam The Social Science Encyclopedia Routledge. 1985
- 3 - Skidmore Willam Theoretical Thinking in sociology. Cambridge. Vniveysity Press.1979
- 4 - Giddens Anthony. studies in Social and Political theory, Hutechinson oflondon.1977